

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۵ می ۲۰۱۳

اطلاعیه شماره

(۳)

داکتر غفور «ثنا» با بی عقلی و لجاجت ناشی از روانپزشی، خیره سری و با بی ادبی تمام و پایمال نمودن حد و حریم در برخورد ها نشان داد که زشت ترین و عقده مند ترین موجود دو پا و اما چهار پا خو و چهار پا صفت می باشد که در بر خورد با آدمها تنها بلد است که پس لگدی بزند و بس!!!

عاقلاًنه زیستن و متانت در گفتار و وقار در رفتار، نشانه ادب است و بی خردی، گفتار زشت، تندخویی، زشت گوئی، دشنام و توهین، سبکسری و خیره سری و لجاجت جنون آمیز نشانه ای از بد اخلاقی می باشد. وقتی سخن از ادب به میان می آید، نوعی رفتار خاص و سنجیده با افراد پیرامون، از کوچک و بزرگ و آشنا و بیگانه در نظر می آید. این رفتار که از تربیت شایسته نشأت می گیرد، به نحوه سخن گفتن، راه رفتن، معاشرت، نگاه، درخواست، سؤال، جواب و ... مربوط می شود. هر کس حد و مرز خود را بشناسد و از آن فراتر نرود، دارای ادب است.

داکتر غفور «ثنا» حد و مرزش را نشناخت و پا فراتر از حدش گذاشت و به منطقه ممنوعه داخل شد؛ وی به جای این که چیزی به دست آورد، پیامد و عواقب رفتار و کردارش را منطقی فکر نکرد و توسط «صادق ظفر» استفاده شد. این پیر خرف و اما قرتکی و قرتکی نمی داند که انجام میمونبازی هایش به جز رسوائی پیامد دیگری برای غفور «ثنا» نخواهد داشت.

یک اعجوبگگ ضعیف البنیه و تهی از مغز، ادای رستم زمانه و کارل مارکس قرن را می کند و در حالی که سبک بالی بیش نبوده و سطح تئوریک و ادبی اش در نازلترین مرتبه می باشد. وی با این صفت و خصلت، شدیداً متکبر، خود خواه، خود پرست و خودستا بوده و به جز خود برای هیچ کس ارج و حرمت نمی گذارد؛ شاید هم، زمانی که بر زمین سخت قدم می گذارد زمین را منت دار می کند که بالایش راه می رود!!!

زمانی که با وی مکالمه و صحبت می شود شنونده دفعتاً درک می کند که با یک موجود (چس دماغ)، خشک و بی رمق طرف می باشد. نمی دانم خودش را در آئینه چه دیده است و چه فکر می کند که کی است!!!

این یخزده عقده‌ئی با حماقت محض معنائی نوشته‌های علمی و انتقادی ام را تا بخش سوم فرمانبراران..... اصلاً درک نکرد و متوجه نشد که هدفم از انتقاد و نقد چه بود، تا این که شعله‌ئی انقلابی «آزادل» برایم فرمود، که یاسین خواندن در گوش‌های گوشدرازان بی‌فایده است.

همان بود که روز بعدش هزاره ایست‌های چنگیزیست و انجونیست از طریق «پیام آزادی» دهان‌پلیدشان را گشودند و همچو سگان هار علیه‌من عف و جف زدند و همچنان داکتر غفور «ثنا» با نام مستعار «پولاد» با نوشته‌های متواترش با «کشتندیسیت»‌های «افغانستانی» متحدانه به پارس‌کشی و قوله‌کشی پرداخت و هر چه که از دهان نجش بیرون گشت در کمال الاغ‌گری نثارم کرد. داکتر غفور «ثنا» و هم‌قلاده‌های هزاره ایست و چنگیزیستش، نه تنها چنگ و دندان برایم نشان دادند بل تهدیدم به بستن و کشتن نمودند؛ تنها گناهم این بود که نوشته‌های ارتجاعی حاوی دوسیه‌سازی و دسیسه‌سازی‌شان را با دلائل موجه و علمی به نقد کشیدم و بر ملا ساختم!!!

غفور «ثنا» مدعی است که چهل سال «مبارزه» نموده است و تا به حال کسی نتوانسته است که نوشته‌های «آسمانی» اش را به نقد بکشد؟! در حالی که این موجود پست‌تر از هر نوع پستی‌ها به نقد و انتقاد یکطرفه باور دارد و سایه منتقدانش را به گلوله می‌بندد تا افشاء و رسوا نگردد، چه رسد به جواب پرداختن مطابق به اصل دیالکتیک!!

بارها از جوانب مختلف تحت سؤال قرار گرفته است و تا حال به جواب یک سؤال هم پاسخ نپرداخته است. مسأله مهم دیگری که توجه‌ها را به خود معطوف داشته است اینست که داکتر غفور «ثنا» تمام رهبران، کادرها و صفوف جریان دمکراتیک نوین (شعله‌جاوید) و جنبش انقلابی ضد روسی را با تیرهای کین و چرکین، بهتان و افتراء شغاد وار زده و برای هر یک‌شان دوسیه‌های قطور و پهن ساخته است و اما در نهایت اعمال ردیلانه و محیلانه خودش را ملامت‌گونه در زیر چادر «پولاد» همچو خفاشی پنهان داشته است؟! این شرفباخته دوسیه‌ساز و دسیسه‌ساز تا به حال درک نکرده است که مردم چطور و روی کدام دلیل و سند موثق به حرفهای یک بیهویت و جبون که خودش را از انظار دور نگهداشته و در حصار چهار دیواری خانه اسیر و محبوس ساخته است، باور نمایند؟!!

به اثر این که هم خودش و هم همقلاده‌های زردش من را با چماق فحش و ناسزاگوئی بستند، زدند و تحقیر و توهین نمودند و هم اخطار دادند که در صورت لزوم از «اتوریته کشتن و بستن» در مقابلم کار خواهند گرفت؛ باز هم با اثر اخطارها و تهدیدات‌شان، با فروتنی و شکسته‌نفسی یک انقلابی از داکتر غفور «ثنا» خواستم که اراجیف، عرعر و عوعو نامه‌های هزاره ایست‌های چنگیزیست را از سایت «پیام آزادی» دور کند و اما به گوشش نرفت که نرفت و این ثابت ساخت که داکتر غفور «ثنا» انتقاد‌پذیر نیست و تنها دوست دارد که انتقاد کند؛ و اگر کسی نقدش کرد ایپورتونیست، جاسوس، لومین، اوباش و می‌باشد!!!

این جرثومه انگلی، سست‌عنصر خطاب نمود و «موم» نام نهاد و پا فراتر گذاشت کسی را «مرشدم» خواند و دیگری را «استادم»!! و بدون حد اقل تعقل، استدلال و تفکر سالم بالایم پارس داد و قوله کشید و مدعی گشت که مورد استفاده فلان و بسمدان قرار گرفته ام؛ هر چند بدین امر افتخار می‌نمایم که به آن پیش‌کسوتانی که از کوره مبارزاتی دشوار و از کام «ک. ج. ب.» سرافراز برآمده‌اند، احترام بگذارم و خلاف غفور‌ها، هنوز حیات داشته و ظرفیت فراگیری را در خود می‌بینم، ولی در این رویارویی این خودم هستم که به تنهایی انقلاب برپا داشته و با نوشته‌های علمی و تئوریکم خرچنگ‌ها و چقرها را به حیرت افکنده‌ام. حرکات پر از لرز و ترس دشمن من را بیشتر از پیش نیرو می‌بخشد تا به مطالعه جدی و علمی هر چه بیشتر چنگ بزنم و دشمنان را بیشتر از پیش رسوا و افشاء بسازم.

واقعاً از این مباحثات و تبادل افکار که منجر به شناسائی مرتجعان، وطنفروشان و جاسوسان شوروی و حالا جاسوسان غرب شده است، نه تنها به خود و استعدادم می‌بالم بل در بلندای غرور پرواز می‌کنم.

غفور «ثنا» من همچو تو دعا گوی و ثنا گوی مرشدت، شیخ آصف «محسنی» نیستم و در عبا و قبایش نجسیده ام زیرا جهان و آرمان من جهان ماتریالیسم دیالکتیک است نه آرمان گرائی، خیال اندیشی و خیال گرائی و باورمند به جادو و فال بینی!!!

نامه هائی از منسوبین جریان شعله و جیش انقلابی از افغانستان و پاکستان در یافته ام که اینک یکی از ده ها نامه را در معرض خواندن قرار می‌دهم:

این عضو پیکار که خود را کمونیست می‌خواند، در حالی که تمام پیکاری‌ها، تسلیمی از آب در آمدند.

اما این پیکاری و «کمونیست» که من فعلاً وی را با مخفف (پ)(و)(ک) یعنی پوک، بعد از این می‌خوانم.

ن-کاوه آهنگر

کابل-افغانستان

غفور «ثنا» اسم (پوک) را برایت تبریک عرض می‌دارم، باید اذعان بدارم که لقبی برای خودت تمام واقعیت وجودی ات را بازتاب داده، زبینه ای پسوند اسمت می‌باشد.

تعدادی از دوستان «پیکار» از پشاور، اسلام آباد و کابل بعضی عکسها و اسناد را برایم فرستاده اند و اما خواسته اند که به این زودی‌ها افشاء نسازم و همچنان وعده داده اند که اسناد دیگری را نیز در اختیارم قرار خواهند داد. دو نفر از آنها اسمائی شان را متذکر نشده اند و یک نفر شان خود را س-م معرفی کرده است. از رفقای انقلابی اظهار سپاس می‌دارم و متیقنم که واقعاً این عکسها و اسناد زلزله ایجاد خواهد کرد.

همین لحظه که پاسی از ۱۲:۵۷ شب گذشته و شبی گرم است و ستارگان چشمک می‌زنند، خواستم به همین نوشته تا به همین جا بسنده کنم که ناگهان سؤالی در ذهنم خطور نمود (پولاد جان قندول و سمندول، غفور ثنای خرچنگ و داکترک پوک- از خاطری که دلت بیفتد- پوکک-، این که با چه طلسم و جادویی روسها و نوکرانش را مسحور ساختی نمی‌دانم و عقلم قد نمی‌دهد، چطور رئیسان انجو‌ها را گپ دادی و سه بار با اسم و ولد اصلی ات در دفاتر آنها کار و خدمت نمودی؟ آیا آنها نمی‌دانستند که تو بزغاله گگ یکتن از رهبران انفلاسی پیکار بودی و با روسها معامله و سند تسلیمی را به امضاء رسانیده بودی؟! والله عقل جن هم کار نمی‌کند که تو استاد شیطان می‌باشی!! شما به دولت و استخبارات هالند تعهد سپرده اید که سیاست نمی‌کنید، آیا دولت و استخبارات هالند شما را توظیف بدان نکرده است تا غفور «ثنا» ها و کلاشان دیگری از همان قماش از طریق «پیام آزادی» انقلاب «مائویستی» و دوکتورین جنگ مسلحانه خلق را نشخوار و باد کمونیسم خروسچفی پراکنده سازند؟؟

که اگر چنین نیست و پای انجام وظیفه دربین نباشد:

(آیا پوک و کچه غفور «ثنا» نمی‌داند که از مبارزه انترناسیونالیستی در کشوری نشخوار می‌کند که این مبارزه حق مردم آن کشور می‌باشد نه جناب اشان!؟).

(آیا نابغه «بی بدیل»، «صدر» داکتر غفور «ثنا» خط گذار و بنیانگذار «مائویسم» و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی پرولتری، وظایف ملی انقلابیون و کمونیستان را در انقلاب ملی و دموکراتیک در مبارزه و فعالیت‌های برون مرزی می‌بینند، باور و قبول دارند و یا در مبارزات و کارزار انقلابی در بین توده‌ها؟).

(آیا دولت و استخبارات هالند خبر دارند که داکتر غفور «ثنا» و «صدر» پخیلوصادق ظفر «چقر» از زیر سقف خانه های هالندی شان اتوریتته کشتن و بستن افراد را در کانادا و امریکا صادر می کنند و مردم را تهدید به مرگ و انواع شکنجه ها می نمایند؟!).

داکتر غفور «ثنا» ، تهدیدات کشتن و بستن شما و یاران هزاره ایست و چنگیزیست تان یک طرف و حالا گفته اید و مدعی شده اید که فلان می کنید و بسمدان؛ پس روز های انتظارت به پایان رسید و حالا هر چه دروغ، تهمت و بهتان و افتراء در توشه، خریطه و خشتک دارید استفاده نمائید و دسیسه ها از مغز بیمار تان بتراوید و دوسیه ها بسازید؛ و اما بدانید که ما عمل بالمثل نکرده بلکه با اتکاء به اسناد و واقعیات عینی، تو و امثال تو را رسوا تر و افشاء تر خواهیم ساخت. تو و امثال داغ ها و لکه های ننگ دامن افغانیت و بشریت هستید و هیچ دست یابی، پیروزی، کار بزرگ، اجراء، اتمام، کمال، هنر و فضیلتی در آینده به ارمغان نداشته و نوید نخواهید داد؛ به جز شرمساری، روسپاهی و سرخمی در پیشگاه خلق و تاریخ؛ و اما ما نه تنها نوید و ارمغان فردای نوین و شگوفان برای خلق اسیر مان داریم بلکه جهانی برای فتح داریم.

ها ها یادت نرود، اگر کرگس گونه پرواز کنید، من را همچو شاهین در بالای سرتان خواهید دید.

ادامه دارد.....

میرویس ودان محمودی